

تحلیل مفاهیم نمادین حیوانات در اشعار اخوان ثالث بر اساس نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن

مریم سازگار^۱، رضا اشرف زاده^۲، محمد شاه بدیع زاده^۳

۱ دانشجوی دکتری، گروه ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲* استاد، گروه ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۳ استادیار، گروه ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

*نویسنده مسئول (r.ashrafzadeh@iaubir.ac.ir)

تاریخ دریافت: (۱۴۰۱/۱۲/۱۶) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۲/۳/۲۰)

چکیده

عناصر چند معنایی از پرکاربردترین شیوه‌های غیر مستقیم بیان در شعر معاصر است و از آن میان، نماد، اصلی‌ترین شگرد هنری شاعران نوپرداز است، که همواره دست‌مایه آفرینش‌گران متعهد برای بیان مقاصد اجتماعی و سیاسی قرار می‌گیرد. این پژوهش ضمن بررسی نقش‌های زبانی بر پایه الگوی ارتباط کلامی یاکوبسن، به تحلیل نمادهای انتقادی و اجتماعی حیوانات در شعر اخوان می‌پردازد. اخوان به دلیل بهره‌گیری از نمادهایی که ریشه در فرهنگ ایران باستان دارد، تشخص ویژه‌ای به شعر بخشیده است و به جهت اینکه غالباً حیوانات در شعر اخوان در مفهوم نمادین به کار رفته‌اند، اساس کار بر نقش فرازبانی است. مهم‌ترین هدف این جستار دریافت پیام‌های انتزاعی و مفاهیم اجتماعی و انتقادی نهفته در نمادهای حیوانات و بیان مفاسد اجتماعی در ضمن اشعار میهنی شاعر می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد نمادهای اخوان بازنمایی از شرایط حاکم بر جامعه و انتقاد های شاعر از ابرقدرتها، منفعت‌جویی‌های برخی از اقشار اجتماع و مظلومیت قشر ضعیف جامعه و ناگفته‌های اجتماعی و سیاسی می‌باشد. شیوه جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و اسنادی است و جامعه آماری پژوهش شامل کلیات اشعار مهدی اخوان ثالث می‌باشد. تحقیق حاضر به شیوه تحلیلی و توصیفی که مناسب جهت انتقال مفاهیم تعلیمی، اجتماعی، رمزی است، تدوین شده است. و پیام‌های اخوان در غالب اشعار، انعکاس‌دهنده کارکردهای فرازبانی، عاطفی، ارجاعی و ترغیبی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: اشعار اخوان، انتقاد اجتماعی، مفاهیم رمزی حیوانات، ارتباط کلامی، یاکوبسن.

۱- مقدمه و بیان مسأله

اندیشه شعری هر چند عریان‌تر بیان شود، آن شعر ضعیف‌تر است؛ بنابراین اگر شاعر بتواند به اندیشه خود هیأتی هنری دهد این اندیشه، شعری عمیق را ایجاد می‌کند. «جنبه هنری و اندیشه ژرف در یک اثر هنری در حکم دو بال پرواز تا نیل به بالاترین پله‌های موفقیت و کامیابی شاعرند (رک: زرقامی، ۱۳۸۳: ۲۰۷). «نمادگرایی را می‌توان هنر بیان افکار و عواطف، نه از راه شرح مستقیم، نه با تشبیه آشکار آن افکار و عواطف به تصویرهای عینی و ملموس، بلکه از طریق اشاره به چگونگی آنها و استفاده از نمادهای بی‌توضیح، برای ایجاد آن عواطف و افکار در ذهن خواننده دانست» (قاری و دیگران، ۱۳۹۳: ۹۸). یونگ در این باره می‌گوید: «چون اشیای بی‌شماری در ورای فهم انسان قرار دارند، ما پیوسته اصطلاح سمبلیک را به کار می‌بریم تا مفاهیمی را نمودار کنیم، که نمی‌توانیم تعریف نماییم یا کاملاً بفهمیم. این یکی از دلایلی است که به موجب آن تمام ادیان، زبان و صور سمبلیک را به کار می‌برند» (یونگ، ۱۳۷۸: ۲۴). شاعران سمبولیسم اجتماعی برخلاف سمبولیست

اروپایی با به خدمت در آوردن مفاهیم اجتماعی در این نوع شعر راه تازه‌ای را در پیش گرفتند (رک:قاری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲۴). نمادگرایان ایرانی شعر را در خدمت مردم اجتماع و مبارزه با ستمگری و خشونت حاکمان ظالم قرار دادند. میهن‌پرستانی چون اخوان که تا پایان عمر دغدغه‌ای جز سرفرازی ایران و ایرانی را در ذهن نمی‌پروراندند. «اصولاً در دوران مدرن، تعریف و جایگاه انسان در هستی تغییر کرده است. اگر در گذشته، انسان، حیوانی ناطق یا حیوانی عاشق معرفی می‌شد، امروزه، انسان، حیوانی ساینس است. سیاست و قدرت سیاسی در مرکز همه معادلات انسان مدرن قرار دارد و درست به همین علت است که مضمون غالب و بلامنازع در شعر معاصر، سیاست و اقتصاد است» (زرقامی، ۱۳۸۳: ۴۱). از این رو از آغاز، شاعران جریان شعری سمبولیسم اجتماعی با آگاهی از فضای سیاسی و اجتماعی جامعه خود، به دنبال شیوه‌ای از بیان بودند که ضمن بیان مضامین اجتماعی و سیاسی از غنای ادبی نیز برخوردار باشد؛ آنان با بیان نمادین و سمبلیک توانستند مشکلات و اوضاع نابسامان جامعه خویش را با عنصر عاطفه و تخیل در هم آمیزند و آثاری ماندگار را به جای گذارند. سمبولیسم اجتماعی از مهمترین رویکردهای مربوط به دهه سی و چهل شعر معاصر ایران نسبت به مضامین سیاسی و اجتماعی است. شاعران متعهد این دهه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با احساس مسئولیت اجتماعی و با بهره‌گیری از زبانی نمادین به طور انتزاعی و غیرمستقیم به شرح رویدادهای سیاسی و اجتماعی آن دوران پرداختند. باید گفت که اغلب شاعرانی که شعر آزاد و یا سپید سروده‌اند، گرایش به سمبولیسم اجتماعی داشته‌اند و رویکرد اصلی شعر آنان مسائل سیاسی و اجتماعی بوده است و بیشتر شاعران این گرایش، از گروه شاعران متعهد بودند و جنبه تعقل و اندیشه شعری در شعر آنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. (رک: زرقامی، ۱۳۸۳: ۳۵۵ و ۵۳۳) «تجربیات سیاسی - اجتماعی امید در تحول شعر او نقش عمده‌ای دارد. ذات پر مهر اخوان و هم‌دردیش با مردم و تلاشش در راه کمال، زمینه ساز دگرگونی شعر او شد... امید، شاعری دردمند بود و می‌خواست شعرش زبان دل افسردگان باشد» (قرایی، ۱۳۷۰: ۱۳). مقطع تاریخی سی و دو بر فضا و جوهر فکری اکثر شاعران آن دوران تأثیر گذاشته است ولی تأثیر بر شعر هیچ یک از شاعران به اندازه شعر اخوان نیست. «توفیق اخوان در سرودن شعر سیاسی - اجتماعی است، که گاهی آیینۀ تمام نمای نقاط عطف تاریخ سی چهل ساله اخیر وطن ماست. مثلاً سالهای آغاز سی در «آنگاه پس از تندر» و سالهای آغاز چهل در «مرد و مرکب». شعرهای مستندی که هریک شهادت‌نامه شاعر شاهدهی چنوست. و نیز شعرهای روایی - نقلی - داستانی او هم‌چون «قصه شهر سنگستان» و «خوان هشتم» که شعرهایی در این حد از توفیق، تنها از ذهن و زبان او می‌توانسته است، جاری شود» (حقوقی، ۱۳۹۳: ۵۶ و ۵۷). در اشعار اخوان، گاه با داستانهایی برخورد می‌کنیم که نقش آفرینان آن، حیوانات هستند. «فابل از ریشه لاتین fabula به معنی بازگفتن است» (تقوی، ۱۳۷۶: ۹۲). در اصطلاح ادبی فابل به داستان کوتاهی می‌گویند که شخصیت‌های آن حیوانات باشند. نمادهای گیاهی و حیوانی یکی از نخستین نمادهایی هستند که انسان از اولین دوران حیات خویش به آن پرداخته است. در داستان درخت آسوریک، درخت نخل به عنوان نماد گیاهی و بز به عنوان نماد حیوانی، مطرح گردیده است و در عصر کنونی اخوان ثالث در تمثیل حیوانات، جلوه‌ای نمادین از دلالت‌های انتقادی و اجتماعی را به نمایش گذاشته است. بدیهی است آشنایی مخاطب با رمزاها با بهره‌گیری از نقش فرازبانی و کشف و تفسیر واژه‌ها، دریافت مفاهیم پنهانی در اثر قابل درک خواهد شد اغلب سروده‌های اخوان دارای سمبل‌های اجتماعی، با بهره‌گیری از شخصیت‌های نمادین، آمیخته با داستان‌های حیوانات است که به شیوه‌ای تلویحی به انتقاد اجتماعی از افسار حاکم و تأثیرگذار در جامعه پرداخته است. از رویکردهای بارز اشعار اخوان شکل ملی و میهنی آن است که قابلیت ارزشی آن را با الگوی نظریه ارتباط کلامی یا کوبسن میسر می‌نماید. از نظریات مشهور رومن یا کوبسن^۱، نظریه پرداز روس، نظریه «ارتباط کلامی» است. بر پایه این نظریه، شش

مؤلفه ارتباطی در ادبیات، زمینه‌ساز برقراری ارتباط میان گوینده و مخاطب است. هر یک از این عناصر با توجه به کارکردشان در جمله، نقش‌های گوناگونی را ایفا می‌کنند. گوینده، مخاطب، زمینه پیام، مجاری ارتباطی و کلام، کارکرد گدھا و در نهایت، پیام، شش عنصری هستند که در ارتباط کلامی هر متن دخیل هستند. نقش‌های زبانی یاکوبسن بالاخص نقش فرازبانی ظرف مناسب و وسیله‌ای کارآمد است تا خواننده را با تفاسیر و مفاهیم متعدد رمزها آشنا سازد. به همین دلیل آشنایی مخاطب با نمادهای اجتماعی حیوانات در سروده‌های اخوان ثالث با بهره‌گیری از نقش فرازبانی و کشف و تفسیر واژه‌ها و نمادها، زمینه‌ای برای فهم و درک بهتر مفاهیم پنهانی اشعار اجتماعی اخوان فراهم خواهد ساخت. همچنین با گذری بر نقش‌های ترغیبی و عاطفی و ارجاعی، ابعاد دیگری از معانی انتقادی و دلالت‌های اجتماعی و فرهنگی شعر هویدا خواهد گشت.

۱-۱- پیشینه پژوهش

آثار پژوهشی با محورهای موضوعی ذیل که به موضوع این مقاله نزدیک و یا شبیه به آن است از این قرار می‌باشد:

تقوی، محمد (۱۳۷۶)، بررسی حکایت‌های حیوانات تا قرن دهم. نویسنده در این کتاب ضمن بیان انواع داستان‌های فارسی، برداشت، برنما و نتیجه و ریخت‌شناسی این قبیل داستان‌ها را که اغلب به زبان نثر هستند، بررسی نموده است. قلی‌زاده، خسرو (۱۳۹۲)، در کتاب دانشنامه اساطیری جانوران به بیان توضیحاتی درباره جایگاه جانوران در اساطیر ایرانی و آیین‌های ایران باستان و ایزدان مرتبط با جانوران پرداخته است. اما کتاب یا مقاله‌ای که با تکیه بر نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن به تأویل نمادپردازی حیوانات در شعر اخوان پردازد، یافت نشد. در زمینه نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن، می‌توان به کتاب «نقد ادبی» از سیروس شمیسا (۱۳۹۰)؛ «راهنمای نظریه ادبی معاصر» (۱۳۷۲)، نوشته رامان سلدن و به ترجمه عباس مخبر اشاره نمود. افزون بر موارد مذکور در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش‌های زبانی داستان اردشیر و هفتواد از شاهنامه فردوسی با رویکرد تمثیلی و بر پایه نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن» (۱۳۹۹) از زهرا ابویسانی و دیگران که با بهره‌گیری از شیوه ارتباط کلامی یاکوبسن به تحلیل این داستان پرداخته‌اند. آرامیده، فریده و دیگران (۱۳۹۵)، در مقاله «سمبولیسم اجتماعی در شعر معاصر فارسی» در بررسی نمادهای اجتماعی در اشعار شفیع کدکنی، هوشنگ ابتهاج، فروغ فرخزاد، اخوان ثالث به این نتیجه دست یافته‌اند که شاعران یاد شده با بهره‌گیری از نمادهای اجتماعی به خوبی توانستند اوضاع سیاسی و اجتماعی آن دوران را انعکاس دهند. قاری، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۳) در مقاله «سمبولیسم در شعر معاصر با تکیه بر اشعار اخوان ثالث و هوشنگ ابتهاج» نویسندگان دریافته‌اند که از طریق آشنایی نمادهای شخصی شاعر، فهم شعر بسیار آسان‌تر خواهد شد و نمادهای به کار برده شده اغلب ریشه در فرهنگ ایران باستان دارند. برخی از پژوهش‌های مزبور به بررسی نمادین جایگاه حیوانات در شعر اخوان و برخی دیگر از شاعران معاصر پرداخته‌اند ولی هیچ یک نمادپردازی حیوانات در اشعار اخوان ثالث را از دیدگاه نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن بررسی و پردازش نکرده‌اند. نکته دیگر اینکه تحقیق حاضر جز به نقش فرازبانی، گذری به سایر کارکردهای زبان از دیدگاه نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن نیز داشته است.

۱-۲- روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای تدوین گردیده است. بر اساس نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن و نقش‌های شش گانه زبانی آن، به تحلیل نمادهای حیوانات در شعر اخوان پرداخته شده است. از این‌رو پیش از دخول به بحث، توضیحاتی درباره نظریه مزبور ارائه گردید.

۱-۳- ضرورت و اهمیت پژوهش

نمادگرایی اجتماعی از مهمترین رویکردهای شعر معاصر فارسی است و برخی شاعران با زبان نمادین و رمز گونه به شرح رخدادهای سیاسی و اجتماعی جامعه پرداختند و چون فهم مفاهیم شعری منوط به دریافت نمادها و رمزهای موجود در آن است، ضروری به نظر می‌رسد، این نمادها آشکار شده و ویژگی‌های آنها بیان گردد. در این پژوهش تلاش شده که نمادهای جانوری با مفاهیم انتقادی با تکیه بر اشعار اخوان رمزگشایی شوند.

۱-۴ مبانی نظری پژوهش

نظریه ارتباط کلامی رومن یاکوبسن، نظریه پرداز روسی، (۱۹۸۲-۱۸۹۶) یکی از کامل‌ترین طرح‌ها در تبیین ارتباط کلامی است که اهمیت بسیاری در کشف معانی در فرآیند ارتباطات اجتماعی دارد. در الگوی ارتباط کلامی یاکوبسن، هر ارتباط کلامی از یک پیام تشکیل شده است که از فرستنده به گیرنده منتقل می‌شود. این پیام برای مؤثر واقع شدن نیاز به ۱- زمینه‌ای دارد که آن مدلول است. موضوعی که بتوان آن را بیان کرد و در گستره آن، می‌توان پیام را دریافت ۲- کدها و رمزگان و علائم که گوینده و مخاطب باید آن را بشناسند. ۳- تماس و مجرای جسمی و پیوند فکری و روانی میان گوینده و مخاطب که امکان انتقال پیام را میسر می‌کند. در هر ارتباط کلامی هر یک از این شش جزء یاد شده، موجد کارکرد متفاوت در کلام هستند؛ ولی در این میان مشکل می‌توان پیامی را یافت که فقط یک کارکرد واحد داشته باشد و اگرچه در اغلب پیام‌ها یک کارکرد نسبت به سایر کارکردها برجسته‌تر است و یاکوبسن به این کارکرد، نقش غالب می‌گوید؛ ولی در عین حال اغلب پیام‌ها بیشتر، کارکرد ارجاعی دارند ولی کارکردهای دیگر نیز نقشی تسهیل کننده در این قبیل پیام‌ها دارند. در اشعاری که نگارنده به بررسی مفاهیم آن در این تحقیق پرداخته است، نقش غالب، فرازبانی است؛ زیرا نمادها و رمزها موضوع اصلی این پژوهش را شامل می‌شوند.

نقش‌های زبان بر اساس الگوی ارتباط کلامی یاکوبسن عبارتند از:

۱- نقش فرازبانی: در صورتی که جهت‌گیری پیام به صورت رمز باشد و آن زمانی است که گوینده یا مخاطب یا هر دو آنها احساس کنند لازم است از مشترک بودن رمز مورد استفاده‌شان اطمینان حاصل کنند. «در این کارکرد زبان، درباره واژگانی که استفاده شده است توضیح می‌دهد. مانند پرسش در مورد معنی کلمات و توضیح برای مخاطب» (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۲۳۴). ۲- نقش ترغیبی (کنشی): در این نقش، جهت‌گیری پیام به سوی مخاطب است و از ساخت‌های ندایی و امری استفاده می‌شود و چون جهت‌گیری پیام تشویق و ترغیب مخاطب است به آن کارکرد ترغیبی یا کنشی می‌گویند. در اشعار میهنی این نقش بسیار مشهود است.

۳- نقش ارجاعی: در این نقش، جهت‌گیری پیام به سوی موضوع و بافت است و با توجه به این که از جملات اخباری استفاده می‌شود، صدق و کذب گفته‌هایی که از نقش ارجاعی حاصل می‌شوند، از طریق محیط امکان‌پذیر است. در این کارکرد مقصود، بیان مفهوم و معنی است. «یاکوبسن وجه تمایز نقش‌های ارجاعی و ترغیبی را در همین امکان صدق و کذب آنها می‌داند» (صفوی، ۱۳۸۰: ۳۲). ۴- نقش ادبی: در این کارکرد، جهت‌گیری پیام به سوی خود پیام است. بنابراین پیام فی نفسه کانون قرار می‌گیرد. به اعتقاد یاکوبسن پژوهش در مورد این نقش زبان، بدون در نظر گرفتن مسائل کلی زبان، بی‌نتیجه است. تأکید بر واژه‌ها، لحن صدا، نحو جمله‌ها، گزینش واژگان، جزو کارکرد ادبی است. ۵- نقش عاطفی: در این نقش زبانی، جهت‌گیری پیام به سوی گوینده است. این کارکرد تأثیری از احساس خاص گوینده است؛ خواه گوینده آن احساس را داشته باشد و یا حتی وانمود کننده آن احساس باشد. لایه صرفاً عاطفی زبان در حروف ندا تجلی می‌کند. حدیث نفس، احساسات نویسنده که بر اثر خشم و یا هیجان تکرار می‌شوند، این نقش زبان را می‌آفرینند. می‌توان گفت در میان انواع شعر فارسی، کارکرد عاطفی بیشتر در شعر غنایی نمود می‌یابد. (رک: علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۲۳۳) ۶- نقش همدلی: جهت‌گیری این کارکرد به

سوی مجرای ارتباطی است و گوینده در پی آن است که تا از برقراری مجرای ارتباطی خود با مخاطب، یقین حاصل کند. و باصطلاح باب سخن را بگشاید. اساس این نقش ایجاد همدلی با مخاطب و برقراری ارتباط است. نقش همدلی در هنگامی که محور کلام مشترک است و گوینده و مخاطب در مورد یک موضوع مشترک سخن می‌گویند، کاربرد بیشتری دارد.

۲- بحث اصلی - نقش فرازبانی

در این نقش، گوینده و مخاطب با استفاده از رمز و نماد به معنی حقیقی می‌رسند. در برخی اشعار اخوان نماد بسیار فراگیر است؛ از این رو زبان، کارکرد فرازبانی دارد. در کتاب «اسطوره و رمز» در تعریف نماد آمده است: «نماد، چیزی است، و عموماً شیئی کمابیش عینی که جایگزین چیز دیگر شده، و بدین علت بر معنایی دلالت دارد. نماد، نمایش یا تجلی‌ای هم هست که اندیشه و تصور یا حالتی عاطفی را به حکم تشابه یا هرگونه نسبت و رابطه‌ای، چه واضح و بدیهی و چه قراردادی تذکر می‌دهد» (ستاری، ۱۳۸۷: ۱۳). در توتم، رمزپردازی اختصاصی‌تر می‌شود تا جایی که حتی افراد می‌پندارند که روان نیاکان در گذشته‌شان در آن توتم حلول می‌کند. مثلاً اگر توتم آنان حیوانی باشد گمان می‌کنند که پیش از آن که به نوع بشر تعلق یابند، آن حیوان بوده‌اند. (رک: ستاری، ۱۳۸۷: ۲۶)

اخوان اغلب از حیوانات به صورت نمادین، برای بیان مقاصد سیاسی و اجتماعی بهره می‌برد. او در اشعارش با زبانی نمادین به بیان دردها و مشکلات و آرمان‌های مردم و مسائل سیاسی و اجتماعی و غیره می‌پردازد. در شعر «سگان و گرگ‌ها» شاعر برای بیان جامعه آشوب‌زده و اوضاع نا بهنجار و آشفته ایران از بیانی نمادین در توصیف این دو حیوان استفاده کرده است. فضای حاکم بر شعر، محیط سرد زمستانی توأم با گرسنگی و خشونت حاصل از آن است که بیانگر جامعه ایران بعد از کودتای ۲۸ مرداد می‌باشد. اخوان نمادها را برای خدمت به جامعه و دردهای اجتماع به کار می‌گیرد؛ چرا که اولویت نخست او آمال و خواسته‌های مردم اجتماع است. در شعر اخوان، گاه حیوانات دارای نمادهای منفی و گاه دارای نمادهایی مثبت هستند. او در برخی از اشعارش همچون شاعر هم دوره‌اش، سپهری، مردم را دعوت می‌کند که به طبیعت نزدیک‌تر شوند و بعضی خصلت‌های نیکو را از حیوانات بیاموزند. در مؤخره «از این اوستا» می‌گوید: حیوانات در بعضی موارد بهتر از ما انسان‌ها زندگی می‌کنند؛ چون زندگی آنها طبیعی است نه تصنعی و باصطلاح احمقانه. باید چون حیوانات طبیعی و بی‌آلایش و ساده زندگی کرد. (رک: اخوان به نقل از هزاره، ۱۳۸۳: ۲۴۴) در شعر او، سگ، گرگ، جغد، کفتار، عنکبوت و مار بیشتر یادآور محیطی خشن هستند. و حیواناتی چون شیر، مگس، اسب نمادی مثبت محسوب می‌شوند.

۲-۱- اسب نماد تمدن با شکوه فراموش شده ایران و نیز آرزوهای تحقق نیافته شاعر

از خصوصیات و مشخصه‌های بارز شعر اخوان توجه به فرهنگ و سنت ایران باستان است. او این حس را با استفاده از عناصری القا می‌کند. اسب در شعر اخوان جز کاربرد در معنی کنایی عامیانه «رمزی از تمدن باشکوه و باستانی ایران با همه افتخارات و بزرگی‌هایش می‌باشد که اکنون جز نامی و یادی از آن باقی نمانده است» (احمدپور به نقل از هزاره، ۱۳۸۳: ۲۵۸).

آن گسترشده، وان صف آرای/ آن پیلهاو اسبها و برج و باروها/ افسوس (از این اوستا: ۶۱۵)

ممکن شمار بی‌ادبی از ادیب هم گاهی سکندری خورد اسب نجیب هم (تو را ای...: ۱۴۸۶)

اسب در شعر ذیل هم می‌تواند اشاره به آرزوهای تحقق نیافته شاعر باشد و هم به فراموشی سپرده شدن شکوه دیرینه ایران است.

سخن پوشیده بشنو اسب من مرده است و / اصلم پیر و پژمرده است (از این اوستا: ۵۹۳).

در شعر مزبور پیام به سوی مخاطب و دوم شخص جهت می‌یابد و ساخت آن به صورت امری است. از سویی دیگر گوینده به بیان احساسات خویش پرداخته است از این‌رو کارکرد چندگانه‌ی کنشی، فرازبانی و عاطفی مشهود می‌باشد.

۲-۲- روباه نماد دون همتان دغلكار

نویسنده فرهنگ نامۀ جانوران، قدیم‌ترین حیوان ثبت شده در ادب فارسی را روباه دانسته است. استناد نویسنده به حکایتی از زبان سغدی است. او آن داستان را از زبان مانی در عصر اشکانیان، نقل می‌کند، که بالغ بر دو هزار سال پیش می‌زیسته است. روباه در آن داستان، نقش حکیمی را بر عهده داشته است (رک: عبداللهی، ۱۳۸۱: ۷۶).

روباه از دیرباز در آثار نویسندگان و اذهان مردم، نمادی از فریبکاری، حيله‌گری و دغل بازی بوده است. این خصوصیت مشهورترین و آشکارترین نماد پذیرفته شده برای عموم مردم بوده است. در شعر اخوان، روباه در همان نماد متداول معاصر به کار رفته است. بدین معنی که این حیوان در شعر او سمبلی از انسان‌های دون همت و فریب‌کاری است که با درنده‌خویان گرگ صفت و انسان‌های پلید و کفتار منش همراه است: باز ما ماندیم و شهر بی تپش/ و آنچه کفتار است و گرگ و روبه است. (آخر شاهنامه: ۴۷۳)

در بیت ذیل روباه سمبلی از انسان‌های ضعیف و سست عنصر و مکاری است که چند صباحی به جولان قدرت نداشته می‌پردازند:

شیرگیران چه شنیدند از آن خرس بزرگ که بجستند و رمیدند ز روباهی چند؟

(ارغنون: ۳۷)

زیـن گـنـه، ای رـوبـه‌کـان دغـل مـرا مرگ دهد تـوبه، که گرگ درنده‌ام

(زمستان: ۳۲۹).

و چون جهت‌گیری پیام به سوی بیان هیجان‌ات درونی است، کارکرد عاطفی نیز مشهود است. روباه در قصه‌های شرقی و برخی قصص غربی مظهر رَوَغان و حيله‌گری است. این جانور در چین رفیق حيله‌گر جادوگر است. برخی معتقدند روباه در صد سالگی به جادوگر تبدیل می‌شود و در سن هزار سالگی ممکن است به بهشت وارد شود و به یک روباه ربانی تبدیل گردد و در برخی معابد صمغ خوش بویی را برای دور کردن این حیوان می‌سوزانند (رک: فرزاد، ۱۳۸۱: ۱۱۱).

۲-۳- سگ نماد انسان‌های نوکر مسلک

سگ در فرهنگ عامیانه حیوانی وفادار است که حتی با به خطر انداختن جان خویش از صاحب و اموالش مواظبت می‌کند. در شعر «سگها و گرگها»، این حیوان دارای همان خصوصیات است ولی با توجه به نگاه اجتماعی و نمادین اخوان، او سگ را در عین حال نماد انسان‌هایی نوکر مسلک و ذلیلانی دانسته است که به حکومت پناه برده‌اند؛ کسانی که برای یک لقمه نان، تن به خفت و پستی می‌دهند و حاضر هستند برای به دست آوردن آن، حتی شلاق و دشنام را با کمال رغبت بپذیرند؛ افرادی که ذره‌ای غیرت و آزادگی و آزادمنشی ندارند: کنار مطبخ ارباب، آن جا / بر آن خاک اره‌های نرم خفتن/ چه لذت بخش و مطبوع است، و آنگاه/ عزیزم گفتن و جانم شنفتن.../ چه ارباب عزیز و مهربانی (اخوان، ۱۳۹۵، زمستان: ۳۳۹).

در این شعر، گرگ در تقابل با سگ، نماد آزادمردانی است که زندگی رنج آور توأم با عزت نفس و مناعت طبع را بر زندگی خفت بار و با ذلت، ترجیح می‌دهند. این آزادگان همیشه در معرض از دست دادن جان خویش اند اما هرگز مناعت و آزادمنشی خود را به حکومت مستبد نمی‌فروشند. آنان فداشدن در راه عزت را افتخار می‌دانند:

در این سرما گرسنه زخم خورده دویم آسیمه سر بر برف چون باد

ولیکن عزت آزادگی را نگهبانیم، آزادیم، آزاد

(زمستان: ۳۴۲)

شاعر در شعر ذیل به وفاداری سگ که در باور عامیانه رایج است، اشاره دارد:

سگی ناگاه دیگر بار/ وزیده بر تنش گمگشته «عهدی مهربان» با او/ چنان چون پار یا پیرار (از این اوستا: ۶۱۸) شعر مذکور به داستان «سگ ولگرد»، سگی اسکاتلندی به نام پات، اشاره دارد که پس از گم شدن صاحب خود، سرگردان شده است.

در شعر «ناگه غروب کدامین ستاره» که بر پایه رئالیسم شکل گرفته است، شاعر به تحلیل مشکلات اجتماعی و رفتارهای ناهنجار در جامعه می‌پردازد. او از سگی سخن می‌گوید که برای لقمه نانی دم می‌جنباند ولی در صحنه‌ای دیگر تغییر ماهیت می‌دهد و با گربه‌ای رفتار خصمانه‌ی خویش را آشکار می‌کند. سگ در این شعر، نمادی از افراد اجتماع و رفتارهای ضد و نقیض آنها با یکدیگر است. «سگ صرعی مست» شاید نماد پست‌ترین فرد اجتماع است که می‌تواند در ذهن انسان متصور گردد. این سگ شاید در نگاه برخی کوردلان، پست و حقیر تصور شود، ولی نفرین او می‌تواند، تشویش و هراسی در اجتماع ایجاد کند؛ همان‌طور که غروب ستاره‌ای به تاریکی و ظلمت شب می‌افزاید. اخوان بر این افکار و باورهای اجتماعی می‌آشوبد. شاید بتوان مفهوم این شعر را با جمله «چشمها را باید شست جور دیگر باید دید» سهراب در یک طراز قرار داد؛ زیرا اخوان نیز مانند سهراب در شعر مذکور از مردم می‌خواهد، در رفتارهای خویش تجدید نظر نمایند:

می‌ترسم ای سایه، می‌ترسم ای دوست/ می‌پرسم آخر بگو تا بدانم/ نفرین و خشم کدامین سگ صرعی مست؟ (از این اوستا: ۶۶۹)

با توجه به اینکه شاعر، مخاطب را از دیگر آزاری نهمی نموده است، می‌تواند مبین کارکردهای ارجاعی و ترغیبی باشد و ساخت فعلی «می‌ترسم» در آغاز ابیات، نیز بیانگر کارکرد عاطفی است.

۲-۴- شیر نماد شکوه و افتخار ایران

در شعر اخوان، این حیوان نماد و نشانه شکوه، قدرت و ابهت است که در میان حیوانات، تنها رقیب برای فیل محسوب می‌شود:

پیل است که بجوید جز شیر هم نبرد. (زمستان: ۴۴۸)

با اندکی دقت در آثار اخوان، بی‌شک می‌توان او را شاعری سیاسی نامید. جنبه سیاسی شعر او به صورت وطن دوستی بروز کرده است. اخوان چاره تمامی دردها و کاستی‌های امروز ایران را در التجا به فرهنگ پیش از اسلام می‌داند. در شعر زیر، شیر نماد شکوه و افتخار ایران باستان است که اکنون در دست عده‌ای گور صفتان نادان و خوار مایه به فنا رفته است. سرزمینی که جایگاه جشن‌ها و شادمانی مردمانش بود، اکنون جای خود را به سجاده زرق و اندوه و ناله جانسوز مسکینان و بیچاره‌ها داده است:

«بر جای رطل و جام می» سجاده‌ی زرق/ «گوران نهادستند پی» در مهد شیران/ «بر جای چنگ و نای و نی» هو یا ابالفضل یا ناله جانسوز مسکینان، فقیران (زمستان: ۳۳۲)

بی‌تردید سبک خراسانی، لحن حماسی و کهن اخوان و تأثیر پذیری او از زبان حماسی شاعر پر آوازه طوس از یک سو و توجه به فرهنگ و سنن کهن ایران از سوی دیگر، سبب شده که از پاره‌ای تشبیهات، استعارات و ترکیبات شاهنامه و نیز افکار و اعتقادات و باورهای ایران قدیم بهره‌گیری. به عنوان مثال شیر نماد و نشانه‌ای از قدرت و شکوه و گندآوری است؛ تا حدی که می‌توان میزان شجاعت، صلابت و قدرت قهرمان را با غلبه او بر شیر مورد ارزیابی قرار داد:

دلیران من ای شیران/ بشنو اما زآن دلیر شیر گیر پهنه‌ی ناورد (اخوان، ۱۳۹۵، از این اوستا: ۵۹۶ و ۵۹۷)

«قصه شهر سنگستان» دریچه ایست برای نظاره دوران شکوهمند و افتخار آمیز ایران باستان و پهلوانان و شیرمردان آن دوران که با غلبه بر انیران و اهریمنان، سرافرازی و اعتبار و عظمت را برای ایران به ارمغان آوردند:

و گر شاسپ دلیر آن شیر گند آور.../ انیران را فروکوبند وین اهریمنی رایات را بر خاک اندازند (از این اوستا: ۵۸۸).

در شعر ذیل، شیر استعاره از محمد مصدق، مبارز ملی ایران، است که اخوان از طرفداران پر و پا قرص او محسوب می‌شد و ارادت خاصی به این چهره داشت:

ای شیر پیر بسته به زنجیر/ کز بندت ایچ عار نیامد/ ای نادر نوادر ایام / کت فر و بخت یار نیامد... (ارغنون)

اخوان در برخی از سروده‌ها دارای روحیه‌ای حماسی است و در برخی دیگر سراینده حماسه شکست است. حماسه شعر مبارزه و پیروزی است نه جای ناله و شکوه. ولی او به اعتبار تجربه بیرونی به این نوع زبان، روی آورده است؛ در حالی که دنیای درون او، دنیای مبارزه و شکست ناپذیری است. این تناقض میان دنیای درون و بیرون او، در سطح عاطفی شعرش، تناقضی را شکل داده است که از قضا رمز ماندگاری شعرش در همین تناقض اجباری در شعر اوست. ترکیب پارادوکسیکال «حماسه شکست» که برای معرفی شعر اخوان به کار می‌گیرند نیز نشان دهنده این تناقض است (رک: زرقامی، ۱۳۸۳: ۴۳۳).

۲-۵- فیل نمادی از آشوب و ویرانگری

در شعری با عنوان «مرثیه»، شاعر، بادی ویرانگر، خشمگین و دیوانه را توصیف می‌کند که چون فیل وحشی از بندگریخته، مست و دیوانه بر زمین و زمان می‌تازد. در این شعر، فیل نمادی از آشوب و ویرانگری است: پیل ناپیدای وحشی باز آزاد است. مست و دیوانه، بر زمین و بر زمان تازد. (آخر شاهنامه: ۵۵۴)

شاعر با بیانی نمادین جامعه پر تنش و آشوب زده را توصیف نموده است که می‌تواند بیانگر نوعی کارکرد ارجاعی باشد.

۲-۶- گراز نماد انسانهای بی رحم

گراز از جانوران پلید شعر اخوان است. این حیوان نماد انسانهای بی‌رحمی است که در پی فرصت هستند تا در جهت رسیدن به منافع شخصی خویش دیگران را پایمال نمایند:

از آن سالی که پشت برج من هر روز جنگی بود وحشتناک/ قبیله گرگ را با قوم سگتول^۲ و گراز و خوک/ و می‌کشتند شیر و پیر را هم بی غم و بی باک... (در حیاط کوچک پاییز در زندان: ۸۱۴).

تأثیر اعتقادات اسلامی در شعر اخوان سبب گردیده است که انسان‌های سودجو و فرصت طلب را به این حیوان تشبیه نماید. افراد بی‌رحمی که بی‌مهابا با کشتن افراد شیر دل و شجاع و آزادی طلب، سرخوش و سرمست به زندگی حقیرانه و مملو از کثافات خویش فرو می‌روند.

۲-۷- گرگ نماد انسانهای بی رحم

اخوان اغلب این حیوان را در اشعارش به صورت نمادین و مظهری از انسانهای بی‌رحم و خونخوار که کوچکترین رقت و دلسوزی در نهادشان وجود ندارد، به کار می‌برد. در شعری با عنوان «گرگ هار»، به واسطه ریا، فریب و ظلم حاکم بر این جامعه پر آشوب و زمستان‌زده، که هرکس به فکر نجات زندگی خویش از زمهریر نامردمی‌هاست؛ اخوان نیز آنقدر از دوست و دشمن مورد بی‌مهری قرار گرفته که خود نیز به گرگ هاری تبدیل گشته است؛ تا جایی که حتی می‌ترسد به نزدیکان خویش نیز آسیب برساند:

گرگ هاری شده‌ام/ هرزه پوی و دله دو. / شب درین دشت زمستانزده بی‌همه چیز، / می‌دوم برده ز هر باد گرو. / چشمهایم چو دو کانون شرار/ صف تاریکی شب را شکند، / همه بی‌رحمی و فرمان فرار (زمستان: ۳۸۲).

«استعاره و تمثیل به ضرورت زمان و حضور سایه سیاه دیکتاتوری در شعر اخوان به چشم می‌خورد، لیکن الفاظ به عاریت گرفته، آنچنان از معنا به دور نیستند که شعله فروزان حقیقت به خاموشی گراید» (یاحقی به نقل از هزاره، ۱۳۸۳: ۲۴۴).

چنان که ملاحظه می‌شود اخوان در شعری با عنوان «خطاب»، انسانها را چون حیواناتی می‌داند که برای منافع شخصی، به جان یکدیگر افتاده‌اند. دنیا جنگلی است که هر که زورش بیشتر باشد، دیگری را نابود می‌کند. شیر در این شعر در مفهوم مثبت به کار رفته و استعاره از انسان‌های نیک سرشتی است که توان مقابله با ستمگران گرگ صفت بد طینت را ندارند:

^۲ - «سگتول» دوره‌ای است از جمع آمدن سگ و شغال یا گرگ نر و شغال ماده. این حیوان بسیار لجاج و درنده خوست تا حدی که به انسان تنها هم حمله می‌کند. (رک: در حیاط کوچک پاییز در زندان: ۸۱۵)

از آن سالی که پشت برج من هر روز جنگی بود وحشتناک/ قبیلهٔ گرگ را با قوم سگتول^۲ و گراز و خوک/و می‌کشتند شیر و پیر را هم بی‌غم و بی‌باک/از آن هنگام، تا امروز... (در حیاط کوچک پاییز در زندان: ۸۱۴)

در شعر ذیل اخوان به آیین قربانی کردن گرگ و سوزاندن پیه آن حیوان اشاره دارد که در آیین میتراثیسم مرسوم بود: در چشم‌های او/غوغا کنان دو خرمن خون سوزد...کز پیه گرگ هار می‌افروزد./ آن جا دو شرز به زنجیر بسته‌اند/که انحنای گردنشان گویی / می‌خارد.../ آیا کدام پیرزن جادو/ از پیه گرگ هار به پا کرد ابر قیر؟ (در حیاط کوچک پاییز در زندان: ۸۲۰-۸۱۹)

«در آیین میتراثی گرگ که نماد پلیدی و اهریمنی بود قربانی می‌شد پیهٔ آن را می‌سوزاندند و خون آن را در تاریکی می‌پاشیدند تا شر و بدی دفع شود. در منابع پهلوی و پازند، جانوران نیز چون گیاهان و همهٔ چیزها و آفریده‌ها، به دو دسته‌ی «هرمزد آفریده» و «اهریمن آفریده» تقسیم می‌شود. گرگ و گرگ سردگان (انواع گرگ) از آفریدگان ویژهٔ اهریمن و جهان تیرگی و تاریکی است. به همین جهت بی‌گمان برای جلب نظر اهریمن و دفع زیانهای وی، گرگ قربانی می‌شد آن هم در شب و از خون جانور با گردهٔ هوم، نذر و فدیة ساخته و در دور دستهای تاریکی می‌پاشیدند» (رضی، ۱۳۸۱: ۱۳۰).

در شعری دیگر آفاق غرب و شرق را گرگانی می‌داند که بدون هیچ ملاحظه‌ای سرزمینهای دیگر را مورد هجوم قرار داده و غارت می‌کنند:

داستان گرگ و بره، ماجرای زور و ضعف / در جهان غرب و شرق، از بهترین تمثیل‌هاست

دین و قانون و عطوفت، پیش زور سلطه جوی/ هیچ معنایی ندارد، بلکه چون باد هواست (تو را ای کهن: ۱۳۴۰).

در ادامهٔ این شعر، اخوان داستانی از «لافوتن» را به زبان شعر برگردانده است. این داستان بیانگر ظلم و ستم ابر قدرت‌ها و زورگویان به ضعفاست. گرگی به بهانه‌های گوناگون در صدد دریدن بره‌ای است؛ ولی بره برای هر بهانهٔ گرگ، پاسخی می‌دهد و سرانجام گرگ به بهانهٔ ضعف بره، او را می‌درد. بره نماد کشورهای مستعمره و جهان سوم است و کشورهای چون آمریکا و انگلیس مانند گرگ‌هایی هستند که سرمایه‌های این کشورها را به یغما می‌برند.

در این سروده او از زبان کبوتری به توصیف شهریار شهر سنگستان می‌پردازد:

پریشانی غریب و خسته، ره گم کرده را ماند/ شبانی گله اش را گرگها خورده (از این اوستا: ۵۸۶).

و شهریار شهر سنگستان خود را چنین معرفی می‌کند: من آن کلام را دریا فرو برده/ گله م را گرگها خورد (همان: ۵۹۳).

افسوس که این یغما همواره ادامه دارد: دریغا! بیشهٔ گرگان همیشه/ از خون دشت میشان آب نوشند. (دوزخ اما سرد: ۱۱۱۹)

شعر ذیل اشاره به رفتار بعضی انسانهای ظاهر نما و مزوری دارد که با رفتار فریبکارانهٔ خویش، مردم را دچار گمراهی می‌کنند؛ ولی در اصل، گرگانی هستند، در لباس میش. او هشدار می‌دهد در این صحرای پر آشوب ایران باید مراقب گرگان انسان نمایی باشیم که نه تنها مال و دارایی، بلکه جان مردم را نیز در معرض تهدید و تباهی قرار می‌دهند:

مبادا چشم خود بر هم گذاری/ نه چشم اختر است این چشم گرگ است/ همه گرگند و بیمار و گرسنه... (زمستان: ۴۱۰)

او در اشعارش اغلب از گرگان دو پای یاد می‌کند که با درنده خوبی به جان مردم می‌افتند؛ خان و مان آنها را به یغما می‌برند و امنیت جامعه را مختل می‌نمایند. در اوستا نیز به این نوع گرگهای انسان نما اشاره شده است. انسان‌هایی گرگ صفت که می‌درند، پاره می‌کنند و نابود می‌نمایند. از این رو نباید هر روشنایی را نور اختر پنداشت:

بترس از روشناییهای آن شب/ که چشم اخترش دندان گرگ است. (تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم: ۱۴۷۳)

اخوان در شعری دیگر شاه ایران را به گرگی تشبیه کرده است که خود را با پادشاهان باستان مقایسه می‌کند؛ در حالی که این کار او را تزویر، و گرگی در لباس چوپان می‌داند:

تازه چو آن گله ایم ، چوپان جویان	با همه چندین هزار سال تمدن
ما شناسیم حیف ، گرگ ز چوپان	گله شناسد هنوز دوست ز دشمن

^۲ - «سگتول» دورگه‌ای است از جمع آمدن سگ و شغال یا گرگ نر و شغال ماده. این حیوان بسیار لجاج و درنده خوست تا حدی که به انسان تنها هم حمله می‌کند. (رک: در حیاط کوچک پاییز در زندان: ۸۱۵)

(ارغنون: ۱۱۴)

در مجموعه شعر «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم» پس از سالها تجربه به این یقین دست می‌یابد، که با دیدن ظاهر افراد نباید در مورد باطنشان قضاوت نمود:

بر من یقین شد این حکم، زیرا بس آزمودم / میشان چو گرگ و گرگان در پوستین میشان (اخوان، ۱۳۹۵، تو را ای کهن: ۱۲۲۴)

۲-۸- مار نماد سختی و تألم

اخوان نیز مار و کژدم را چون گذشتگان موجوداتی اهریمنی، منفور و شرور می‌داند. از این رو زندگی پر از تألم و عذاب را به دوزخی تشبیه می‌کند که مملو از مار و عقرب است:

آیا نبود زندگی ام دوزخی الیم / پر نیش مار و کژدم و پر شعله و شرار؟

(ارغنون: ۴۷)

در این سروده نیز شاعر نفرت خود را با تشبیه جوی آلوده، به ماری مهیب بیان کرده است:

در جوی چون کفچه مار مهیبی / نفت غلیظ و سیاهی روان بود

(از این اوستا: ۶۶۴)

با توجه به ابیات مذکور شاید بتوان گفت باور و اعتقاد اخوان نسبت به این موجود به افکار و اعتقادات آیین زردشت هم‌مانگی بیشتری دارد. چنان که در این شعر مار را به صراحت تخم اهریمن می‌داند:

سر مار با دست دشمن بکوب / که آید به دستت یکی زین دو خوب

گر آن چیره شد کشته ای دشمنی / و این، رسته از تخم اهریمنی

(سال دیگر...: ۱۷۵۴)

حضور فعل امر «بکوب» در شاهد مثال ذکر شده می‌تواند نشانگر نقش ترغیبی باشد.

۲-۹- موش نماد محتکران

زبان شعری اخوان به سبب التزام در ادای رسالت شاعری، سرشار از اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی است. او بسته به فضای سیاسی حاکم، این آموزه‌ها را با زبانی چند معنایی و نمادین بیان می‌کند. موش چون سایر حیوانات و پدیده‌های طبیعی، به تناسب فضای اجتماعی حاکم، نمادی از سرمایه‌دارانی است که به احتکار و انبار کردن کالاها مشغول هستند:

در کنار دشت، گفت موشی با دگر موشی: / آن چه کالا داشتم پوسید در انبار... (از این اوستا، مرد و مرکب: ۵۹۸)

در این شعر، موش جنبه اهریمنی و پلید خود را حفظ کرده است. انسانهای موش صفت که به ذخیره مایحتاج مردم اقدام می‌کنند تا شاید بتوانند بر ثروت و اندوخته‌های خویش بیفزایند.

اخوان، در مورد آن منجی خیالی که در شعر آمده، می‌گوید: «... در آن شعر می‌گویم، می‌گویند، گفته‌اند، تبلیغ فریب‌آمیز کرده‌اند که: مرد، یار مردم محروم می‌آید، بشارت، بشارت که مردی خواهد آمد و چگونه مرد مردستانی که درمان همه دردهاست. برای همه طبقات مختلف، مثلاً آنجا دو تا موش، بورژوازی سرمایه‌داری هستند که با همدیگر همدمند و همکار و کالا دارند و انبارها دارند و...» (هزاره، ۱۳۸۳: ۲۵۲) در این داستان هر طبقه و هر گروه اجتماعی، خیالاتی را در مورد این مرد در ذهن می‌پرورد ولی در نهایت تمام این افکار در سایه‌ای محو و نابود می‌گردد.

۲-۱۰- میش نماد انسانهای ضعیف داشته شده

در شعر اخوان این حیوان نماد انسانهای ضعیف داشته شده‌ای است که پیوسته مورد آزار گرگ صفتان و قدرتمندان قرار می‌گیرند.

دریغا بیشه گرگان همیشه / ز خون دشت میشان آب نوشند

(دوزخ اما سرد: ۱۱۱۹)

استفاده از شبه جمله دریا در بیت یاد شده می‌تواند نشانه‌ای از کارکرد همدلی باشد. در کتابهای کهن نیز به دشمنی گرگ با میش اشاره شده است؛ از این رو اصطلاحات «ترسیدن میش از گرگ» و «لرزیدن میش از گرگ» رایج گشته است. در بندهش نیز اصطلاح «میش را از ترس گرگ پشم برکند» به کار رفته است. در زند بهمن یسن اصطلاح «گرگ زمان برود و میش زمان درآید» هم مفهوم با دیو چو بیرون رود فرشته درآید؛ گرگ نماد خشونت و میش نماد صلح و آرامش است. (رک: قلی زاده، ۱۳۹۲: ۲۸۶) طبق بندهش «اهریمن، گرسنگی و تشنگی و شیر و گرگ سردگان دزد را بر ضد گوسفند قرار داد.» (قلی زاده، ۱۳۹۲: ۲۴۷)

در شعری دیگر نیز گوسفند با همین چهره نمادین به کار رفته است:

چنان چون گوسفندی، که اش درد گرگی (در حیاط کوچک پاییز در زندان: ۸۴۴)

ایران کشوری است که بارها مورد هجوم اشغالگران قرار گرفته است. شاهان و رهبران بی لیاقت و مستبد با تصمیمات ابلهانه و ناکارآمد خویش، این کشور را در چنگال گرگ صفتان دژخیم رها کرده؛ آنانی که بی‌رحمانه در پی سودجویی و بهره‌کشی خویش با چنگال‌های مهیبشان ثروت و دارایی مملکت را به یغما برده و می‌برند. در حالی که این رهبران بی‌فکر بدون کمترین دغدغه ذهنی بر کرسی ریاست خویش متکبرانه تکیه زده و سرمست از بله قربان گفتنهای عده‌ای جیره خوار نادان، زندگی بی‌ارزش و حقیرانه خویش را سپری می‌کنند و در این میان صدای دلخراش آزاد اندیشان میهن پرست آوای مبهمی است که قادر به بیدار کردن مردمی که در خواب غفلت فرو رفته اند، نمی‌باشد.

۲-۱۲- عنکبوت نماد دون همتان شهوت پرست

عنکبوت در شعر اخوان نماد انسانهایی است که زندگی آسوده را بر سختی مبارزه با ظالمان و متجاوزان به حقوق ملت ترجیح می‌دهند. آنانی که در دنیای تنگ و محقر خویش به غیر از خورد و خوراک به هیچ نمی‌اندیشند: خوش تر از این پرده فضا هیچ نیست هیچ/بهرتر از این پشه غذا عنکبوت گفت/ نیست به از وزوز این پشه نغمه اعیس همین است و همین: کار و خورد و خفت (زمستان: ۳۲۸)

۲-۱۳- مگس نماد انسانهای بلند نظر

برخلاف تصور رایج این حشره از نمادهای مثبت شعر اخوان محسوب می‌شود. مگس نماد انسانهایی با مناعت طبع و سعه صدر است که از کومه بینی عنکبوتیان بی‌زارند. کار اینان روشنگری و آگاهی دادن مردم از فریب و خدعه حاکمانی است که گاه علیه مردم به کار می‌گرفته‌اند:

از چمن دلکش و صحرای دلگشا/گفت خوش الحان مگسی قصه‌ای به من/خوش تر از این پرده فضا هیچ نیست هیچ

جمله فریب اسست و دروغ است آن سخن. (زمستان: ۳۲۹)

جز نقش فرازبانی در شواهد مذکور، با توجه به اخباری بودن جملات و جهت‌گیری پیام به موضوع خاص، کارکرد ارجاعی نیز مشهود است.

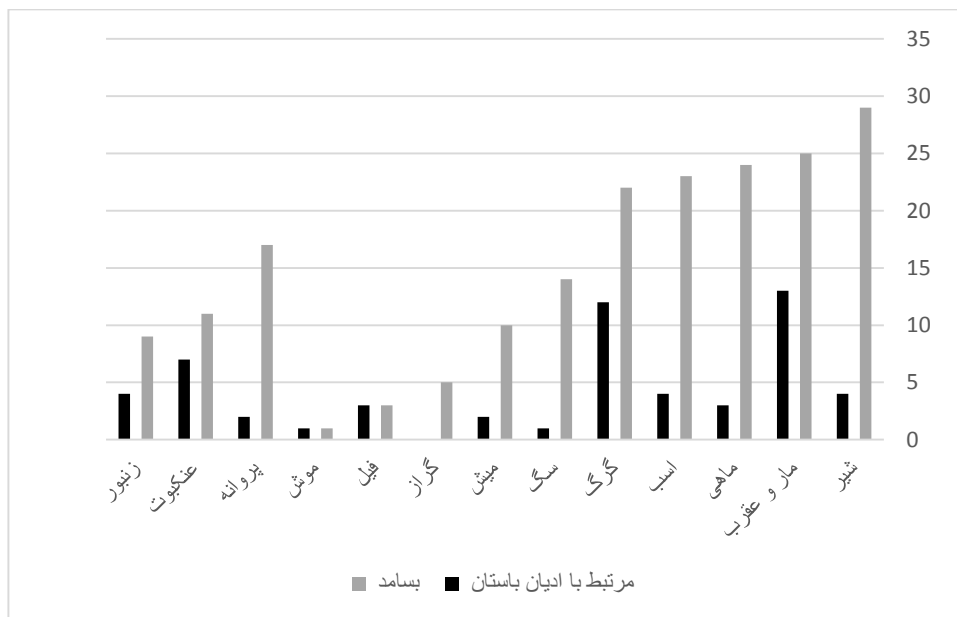
نتیجه‌گیری

شاعران عصر کنونی به سبب خفقان حاکم بر جامعه، اجازه صریح گویی نداشتند. چرا که با هر نقدی بر حکومت، جان و مالشان مورد تهدید و آسیب قرار می‌گرفت و هزینه‌هایی را متحمل می‌شدند. چنان که اخوان چندین بار به زندان افتاد. به همین دلیل، شاعران چاره را در لفافه‌گویی دانستند. آنان با بهره‌گیری از عناصر چند معنایی به انتقادهای اجتماعی و سیاسی پرداختند. اخوان از جمله شاعرانی بود که با به کارگیری مفاهیم نمادین که ریشه در ادیان و فرهنگ ایران باستان داشت، توانست در حد اعلی این مهم را محقق نماید. برخی از این نمادهای به کارگرفته شده، ریشه دینی و آیینی و برخی دیگر در فولکلور و فرهنگ عامیانه متداول است.

دربرسی نقش فرازبانی در مؤلفه‌های نمادین به کار رفته در سروده‌های اخوان، سه دسته مجزا قابل طبقه‌بندی است: برخی از نمادهای اجتماعی، یاد آور محیطی خشن و مستبدانه است: چون سگ (نوگر مسلک)، گراز (انسانهای بی‌رحم)، روباه و عنکبوت (دون همتان شهوت پرست) و مار (تألم و اندوه) فیل (آشوب و ویرانگری) موش (محتکران). برخی نیز دارای مفهوم مثبت و یادآور شکوه دیرینه ایران هستند: چون شیر (نماد شوکت و افتخار ایران زمین)، اسب (تمدن با شکوه فراموش شده ایران)، مگس (بلند نظرانی آگاه و آگاهی بخش). با توجه به این مهم که زبان نمادین، زبانی تأویل‌پذیر و سیال است و محدود کردن آنها در معانی نمادین کلیشه‌ای وعمومی، امری غیر ممکن به نظر می‌رسد؛ بنابراین مقتضیات زمانی و روحیه شاعر، تأویل‌های گوناگون و متناقضی پذیرفته است به صورتی که گرگ در یک جا دارای نمادی مثبت و در شعری دیگر نقش و نمادی منفی پذیرفته است.

نکته حائز اهمیت دیگر این که در بررسی زبان نمادین اخوان، کاربرد نماد هایی که مفاهیم مثبت و امیدوارانه را به ذهن متبادر کند، بسیار اندک است؛ چرا که وضعیت اجتماعی و آشفته ایران در روزگار شاعر، اقتضای چنین شرایطی را می‌نمود. لذا حاکمیت با عناصر زبانی با بار معنایی منفی است و اغلب مؤلفه‌های نمادین که دارای معانی مثبت هستند با فرهنگ ایران باستان و آیینها و ادیان دیرین ایران گره خورده‌اند.

به نظر می‌رسد جز نقش فرازبانی با تأکید بر دلالت‌های نمادین، کارکردهای عاطفی، ارجاعی و ترغیبی به ترتیب مکمل آن هستند و به صورت مستقیم و غیر مستقیم تأثیر کلام را در خواننده بیشتر می‌نمایند.



منابع و مأخذ

آرامیده، فریده و دیگران (۱۳۹۵)، «سمبولیسم اجتماعی در شعر معاصر فارسی» (بررسی نمادهای اجتماعی در شعر شاعران دهه ی سی و چهل)، همایش بین المللی شرق شناسی و مطالعات ایرانی، دوره ی ۲، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی.

احمدی، بابک (۱۳۷۰)، ساختار و تأویل متن، تهران: مرکز، چ چهارم.

اخوان ثالث، مهدی (۱۳۹۵)، متن کامل ده کتاب، تهران: زمستان.

تقوی، محمد (۱۳۷۶)، بررسی حکایت‌های حیوانات (فابلها) تا قرن دهم، تهران: روزنه.

تسلیمی، علی (۱۳۹۵)، نقد ادبی (نظربه های ادبی و کاربرد آنها در ادبیات فارسی)، تهران: اختران، چاپ سوم.

- حقوقی، محمد (۱۳۹۳)، شعر زمان ما، مهدی اخوان ثالث، تهران: نگاه، چاپ شانزدهم.
- رضی، هاشم (۱۳۸۱)، آیین مهر، پژوهش‌هایی در تاریخ آیین راز آمیز میتراپی در شرق و غرب، جلد ۱ و ۲، تهران: بهجت.
- زرغامی، مهدی (۱۳۸۳)، چشم انداز شعر معاصر ایران، تهران: ثالث.
- ستاری، جلال (۱۳۸۷)، اسطوره و رمز (مجموعه مقالات)، تهران: سروش، چاپ دوم.
- سلدن، رمان؛ ویدوسون، پیتر (۱۳۷۷)، راهنمای نظریه ادبی معاصر، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو، چاپ دوم.
- صفوی، کورش (۱۳۸۰)، از زبان‌شناسی به ادبیات، تهران: سوره مهر.
- عبداللهی، منیژه (۱۳۸۱)، فرهنگ نامه جانوران در ادب فارسی، ج ۲، تهران: پژوهنده.
- علوی مقدم، مهیار (۱۳۷۷)، نظریه‌های نقد ادبی معاصر، تهران: سمت.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۵)، بلاغت تصویر، تهران: سخن.
- فرزاد، عبدالحسین (۱۳۸۱)، درباره نقد ادبی، تهران: قطره، چ چهارم.
- قاری، محمد رضا؛ نیک آبادی، اعظم؛ روشندل، اشرف (۱۳۹۳)، «سمبولیسم در شعر معاصر با تکیه بر شعر مهدی اخوان ثالث و هوشنگ ابتهاج»، زیبایی‌شناسی ادبی، شماره ۲۱، صص ۹۷ تا ۱۲۵.
- قرایی، یدالله (۱۳۷۰)، چهل و چند سال با امید، بی جا: بزرگمهر.
- قلی زاده، خسرو (۱۳۹۲)، دانشنامه اساطیری جانوران و اصطلاحات وابسته، تهران: پارسه.
- محمودی، مریم؛ الیاسی، رضا (۱۳۹۶)، «نماد شناسی حیوانات در کتاب طرب المجالس»، متن شناسی ادب فارسی، شماره ۴، صص ۵۷ تا ۷۰.
- هزاره، داوود (۱۳۸۳)، سیاه و سپید، مقایسه و نقد تحلیلی شعر سهراب سپهری و م. امید، مشهد: پاژ.
- هنرمندی، حسن (۱۳۸۵)، بنیاد اندیشه نو در فرانسه، تهران: زوار.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۸)، انسان و سمبل‌هایش، ترجمه محمود سلطانی، تهران: جامی، چاپ سوم.

Application of social criticism of animal symbols in poetry of Akhavan with an approach to Jacobsen's theory of verbal communication

Maryam Sazegar¹ Reza Ashrafzadeh² Mohammad Shah Badiezadeh³

1 Department of Persian Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

*2 Department of Persian Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

3 Department of Persian Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

*(Corresponding Author) R.ashrafzadeh@iaubir.ac.ir

Abstract

Polysemy elements are one of the most widely used indirect methods of expression in contemporary poetry, and among them, the symbol is the main artistic technique of modern poets, which is always used by committed creators to express social and political purposes. This study analyzes the critical and social symbols of animals in the poetry of Akhavan while examining linguistic roles based on Jacobson's verbal communication pattern. Akhavan has given a special character to poetry due to the use of symbols that are rooted in the culture of ancient Iran, and because animals in the poetry of Akhavan are often used in a symbolic sense, the basis of the work is the role of metalanguage. The most important purpose of this article is to receive abstract messages and social and critical concepts embedded in animal symbols and to express social corruptions in the poet's homeland poems. Findings show that the symbols of the Akhavan are a representation of the conditions governing society and social and political unspoken. The method of collecting information is library and documentary and the statistical population of the study includes the Book of Poems of Mehdi Akhavan- Sales. The present research has been compiled in an analytical and descriptive manner that is suitable for conveying educational, social and symbolic concepts. And the messages of Akhavan in most poems reflect the metalanguage, emotional, referential and persuasive functions.

Keywords: poems of Akhavan, social criticism, symbolic concepts of animals, verbal communication, Jacobson